



سه‌شنبه ۶ شهریور ۱۴۰۲
وطن امروز | شماره ۴۱۱۸

فرهنگ و هنر

اخبار

عمو حاتم کتاب‌باز در گذشت

حاتم مشمولی معروف به «عمو حاتم کتاب‌باز» بازیگر سینما و تلویزیون که از چندی پیش به بیماری کلیوی مبتلا شده بود، شامگاه یکشنبه ۴ شهریور در منزل خود در تهران در گذشت.

وی سابقه ایفای نقش در آثاری همچون جنگ سوم جهانی به کارگردانی هومن سعیدی، حرفه‌ای و سریال پوست شیر به کارگردانی جمشید محمودی را در کارنامه هنری خود دارد.

مشمولی نخستین بار در بوتیک نخستین فیلم بلند حمید نعمت‌الله (۱۳۸۳) ایفای نقش کرد و پس از آن تا همین چند سال اخیر حضوری در عرصه سینما و تلویزیون به غیر از مجموعه تلویزیونی کتاب‌باز نداشت. مشمولی مرداد سال گذشته در این باره گفته بود: «کتاب‌باز راه من را به سینما باز کرد و باز هم دوست دارم بازی کنم». احسان عبدی‌پور، فیلمساز که حاتم مشمولی را به مجموعه کتاب‌باز معرفی کرده بود در ارتباط با این رخداد گفت: «ساعت ۲۲ دپوز مطلع شدم که عموحاتم به رحمت خدا رفته است. از دوستی که صفحه کتاب‌خوانی در اینستاگرام دارد مطلع شدم که عموحاتم دارفانی را وداع گفته است. عموحاتم تنها بود و این روزها تنهاتر از همیشه».

رونمایی از گنجینه امین تارخ و ماز یار میری در موزه سینما

روز چهارشنبه هفتم شهریور طی مراسم ویژه‌ای در موزه سینما، گنجینه زنده‌یاد امین تارخ و ماز یار میری به صورت جداگانه رونمایی می‌شود. در این مراسم طبق اعلام، ساعت ۱۷ به صورت جداگانه از گنجینه ماز یار میری کارگردان سینمای ایران و همچنین گنجینه زنده‌یاد امین تارخ در تالارهای این مجموعه فرهنگی - تاریخی رونمایی می‌شود، سپس مراسم نکوداشت امین تارخ، بازیگر فقید سینما، تئاتر و تلویزیون با مشارکت موزه سینما و انجمن بازیگران خانه سینما از ساعت ۱۸ در سالن فردوس برگزار می‌شود. در این مراسم هنرمندان سینما و تئاتر درباره ویژگی‌های فردی و نقش امین تارخ در اعتلای سینمای ایران بویژه رشد هنر بازیگری سخنرانی خواهند کرد.

زنده‌یاد امین تارخ متولد مرداد ماه سال ۱۳۳۲ در دهه ۵۰ دانشگاه هنرهای نمایشی دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد و در طول حدود نیم‌قرن فعالیت در عرصه بازیگری، نقش‌های ماندگاری را در سینما، تئاتر و تلویزیون خلق کرد. او همچنین در سال‌های گذشته با تأسیس یک موسسه آموزشی در حوزه بازیگری چهره‌های مطرحی را به سینمای ایران معرفی کرد.

کتاب «من یک ایرانی‌ام»

نقد و بررسی می‌شود

نقد و بررسی کتاب «من یک ایرانی‌ام» با حضور «اضیه خلدی‌نسب» نویسنده کتاب، استاد «بولفضل درخشنده» و «هرا احمدی قادر» از منتقدان حوزه ادبیات دفاع مقدس برگزار می‌شود. کتاب «من یک ایرانی‌ام» داستان زندگی رزمندۀ پرافتخار ارمنی آقای «البرت محمودلو» با روایت‌هایی از دوستان و خانواده اوست که توسط رضیه خلدی‌نسب گردآوری و تدوین شده است.

این نشست امروز از ساعت ۸ تا ۹ صبح در سالن قصر شیرین موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برگزار می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند برای حضور در این برنامه به نشانی میدان ونک، بزرگراه شهید حقانی، خیابان سرو، موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مراجعه کنند.

اعلام زمان برگزاری دومین نمایشگاه صنعت موسیقی

دومین نمایشگاه صنعت موسیقی ۱۰ تا ۱۳ مهرماه امسال در مجموعه نمایشگاهی برج میلاد تهران برگزار خواهد شد. بر اساس اعلام ستاد برگزاری دومین نمایشگاه صنعت موسیقی، در این دوره با توجه به استقبال از دوره نخست، تمهیداتی ویژه برای افلاان صنعت موسیقی در نظر گرفته شده است. در این بین پیرو اظهار نظر و گلابه‌های برخی واردکنندگان ادوات موسیقی، از سوی دبیرخانه نمایشگاه واردات سازها و ادوات موسیقی، قرار گرفت و جلسات صنعت موسیقی مورد پیگیری قرار گرفت و جلسات متعددی در این باره با مقامات و مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اتحادیه فروشندهگان لوازم صوتی، تصویری و آلات موسیقی و... برگزار شد.

در نهایت نامهای باامضای سیدمحمد هاشمی جانشین وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی آماده و به وزارت صمت ارسال شد.

«حنوط» به نوفل لوشاتو

و «سیمبلین» به حافظ می‌رود

عمارت نوفل لوشاتو تا ۸ تا ۲۵ شهریور ۱۴۰۲ میزبان نمایش «حنوط» به نویسندگی علیرضا دماوندی و تهیه‌کنندگی و کارگردانی طاهای علی‌قارداش است. اجرای این نمایش ساعت ۱۸ آغاز می‌شود و مدت زمان آن ۶۰ دقیقه است. سیدعلی مساموات، حمیدرضا شاهبخت، پانیده نصیری، غزاله مهرایی، علی طاهری، رومینا بختیاری و علیرضا دماوندی بازیگرانی هستند که در این اثر ایفای نقش می‌کنند. در خلاصه داستان نمایش «حنوط» آمده است: هر دو می‌گفتند کز خوف سقوط جان سپردن به از این بوی حنوط...
همچنین اجرای نمایش‌های «سلوک مستان» به دراماتورژی و کارگردانی تمنا پناهی تا ۱۶ شهریور، هر شب ساعت ۱۹:۳۰ به مدت ۴۵ دقیقه و «حق با مردم بود» به نویسندگی و کارگردانی علی‌نیکزاد تا ۲۳ شهریور، هر شب ساعت ۲۱:۱۵ به مدت ۷۰ دقیقه ادامه دارد. «شاهلنگ» نوشته آرزو خانجلالی به کارگردانی بلوک قادری تا ۷ شهریور هر شب ساعت ۱۹:۳۰ به مدت ۷۰ دقیقه، «رگتیج» به نویسندگی و کارگردانی امیرطاهای سلکی تا ۷ «سی و یک رویا» به نویسندگی و کارگردانی جواد مولانیا تا ۹ شهریور هر شب ساعت ۲۲:۴۵ به مدت ۸۵ دقیقه روی صحنه می‌روند.

پیامبر اعظم

برای یقین همچنان پدری مهربان باش و بدان همان‌طور که کلمات می‌کنی دور خواهی کرد.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد اخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سرمدیر: سید علیدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۱۳۷۸۲۸
پست الکترونیک: info@vatannemروز.ir
چاپ: موسسه جام‌چم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰



ساعت ناخوش

نگاهی به «ساعت ۶ صبح» دومین فیلم سینمایی مه‌ران مدیری که همانند «ساعت ۵ عصر» یک تجربه ناموفق شد

گروه فرهنگ و هنر: مه‌ران مدیری که اوایل دهه ۷۰ با مجموعه تلویزیونی «ساعت خوش» احوال خوش و رضایت را به خانواده‌ها و مردم هدیه می‌داد، حالا با گذشت ۳ دهه و حضور ۱۵ فیلم سینمایی، ۲۹ برنامه تلویزیونی و ۱۸ اثر نمایش خانگی و کسب تجربه در انواع و اقسام حرفه‌ها از بازیگری، نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی تا اجرا، طراحی صحنه و لباس، بازیگرانی، خوانندگی و صدابینشی، حالا به ساخت دومین فیلم سینمایی خود در اواخر پنجمین دهه از زندگی‌اش رسیده اما نتیجه نه خوشحالی و خوش احوالی، بلکه ناخوشی و نارضایتی مخاطبان است. فروش ۶ میلیاردی «ساعت ۶ صبح» در مدت یک ماه و قرار گرفتن در رتبه دوازدهم پرفروش‌ترین فیلم‌های سال، پایین‌تر از «الییا؛ جستجوی قهرمان» مربوط به سینمای کودک و نوجوان، مهم‌ترین و روشن‌ترین گواه برای ادعای ناخوشی و ناخشنودی از فیلم و فیلمسازی است که زمانی به «سلطان کمدی» ایران معروف بود و پایان سریال‌های ۹۰ شبی‌اش به کابوسی برای مخاطبان و شروع پخش سریال جدید به آرزویی برای طرفدارانش بدل شده بود. حالا چه می‌شود که آقای کمدین اینگونه مسیر افول و نزول را پیش می‌گیرد و تا این حد شکست‌خورده و ناامیدکننده فیلم می‌سازد، دلایل متعددی دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

مشکل اصلی مدیری در حال حاضر تنوع و تکرار کارهایی است که انجام می‌دهد به طوری که عدم تمرکز در این آثار به روشنی قابل دریافت و به باشنه آشیل آثارش بدل شده است. از یک سو درگیر تاکشو و رئالیته شوهاست و از طرف دیگر مستغول سریال و فیلمسازی است و در کنار آنها انواع و اقسام مراودات تجاری را با شرکت‌های تبلیغاتی انجام می‌دهد تا ابوالمشاغل سینما در سال‌های اخیر کسی جز مه‌ران مدیری، کارگردان و کمدین سینما و تلویزیون نباشد.

مسئله دیگر مثلاً در ۲ فیلم اخیر مه‌ران مدیری این است که این آثار به نوعی خارج از مادیوم همیشگی و تسلط وی کار شده است. مادیوم مدیری، طنز و کمدی است، در حالی که این آثار در گونه فانتزی‌های اجتماعی ساخته شده‌اند و قصد دارند دغدغه‌مند و پرمحتوا جلوه کنند، آن هم در شریاطی که در حد همان قصه باقی می‌ماند و به مرحله عمل نمی‌رسند و نتیجه می‌شود فیلمی ضعیف که باعث ملال عمده تماشاگران می‌شود.

به بهانه گمانه‌زنی‌ها پیرامون معرفی نماینده ایران به اسکار ۲۰۲۵

مستند یا داستانی؟

یک فرآیند پیچیده و چالش‌برانگیز است. با این حال، با توجه به پیشرفت سینمای ایران و استعداد فیلمسازان ایرانی، امیدواریم در آینده شاهد موفقیت‌های بیشتری از فیلم‌های ایرانی در جوایز اسکار باشیم.

در حال حاضر فیلم‌هایی چون «بن‌دن»، «جنگل پرتقال» و «عالمه‌بند» از سوی برخی منتقدان مناسب اسکار ۲۰۲۵ عنوان شده‌اند. در سوی مقابل برخی معتقدند با وجود ظرفیت‌ها و موفقیت‌های سینمای مستند، این امکان وجود دارد که یک فیلم مستند را همانند سال ۲۰۲۰ به اسکار فرستاد. محمد حیدری‌پور، کارشناس فروش سینما درباره حضور مستند در اسکار و رقابت سینمای داستانی و مستند در یک سال اخیر، می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین اولویت‌های سازمان سینمایی در دولت سیزدهم، رونق گیشه و افزایش فروش فیلم‌ها بود. سینمایی که به دلیل شیوع ویروس کرونا تعطیل و با خطر نابودی و محو کامل مواجه بود.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های مدیریتی محمد خزاعی در این دوره، رونق بخشیدن به سینما و چگونگی آشتی مردم با فیلم‌ها بود. اگر دوران او رونق اقتصادی کامل و مهیا بود، دولت می‌توانست روی آثار فرهنگی سرمایه‌گذاری کند اما از این منظر، کمبود بودجه وجود داشت و تولید آثار ارگانی، خاص و محدود شد. بنیاد سینمایی فارابی طبق رسالت بیش از ۴۰ ساله خود، مانند هر دوره به تولید آثاری پرداخت که وجه استراتژیک داشتند، اغلب این فیلم‌ها با وجود برنامه‌ریزی و حمایت ارگان‌ها، در ارکان توجه زیادی برنینگیندختند. به عنوان مثال فیلم خوب «فریب» در ارکان عمومی و آنلاین توجهی جلب نکرد اما در کارنامه لطیفی، یکی از بهترین‌ها به شمار می‌رود و تولید آن در چارچوب سیاست‌های بنیاد فارابی (و سازمان سینمایی) است.

حالا پس از رکوردشکنی‌های فراوان در سال‌های سینما

عباس رافعی، کارگردان فیلم‌هایی همچون «فصل فراموشی فریسا» و «غیبت موخ» که نامش به عنوان یکی از فیلمنامه‌نویسان فیلم «ساعت ۶ صبح» مطرح است، در زمینه همکاری با مدیری توضیح داده است: «فیلمنامه‌ای را نوشته بودم به نام «بن‌بست» که قرار بود خودم آن را کارگردانی کنم ولی آن را به آقای مدیری واگذار کردم. این فیلمنامه پس از بازنویسی و اعمال تغییراتی توسط مه‌ران مدیری برای گرفتن پروانه ساخت، به «ساعت ۶ صبح» تغییر نام یافت».

بازیگران و عوامل فیلم «ساعت ۶ صبح» عبارتند از: نویسندۀ و کارگردان: مه‌ران مدیری، تهیه‌کنندۀ: علی اوجی، سرپرست گروه کارگردانی و مدیر برنامه‌ریزی: پوپک مظفری، مدیر فیلمبرداری: مسعود سلامی، نورپرداز: پویا اقبالی، مدیر صدابرداری: محمود خرسند، طراح صحنه: مه‌ران مدیری، مدیر اجرایی: پیمان قانع، طراح لباس: گلاره دریندی، طراح گریم: ریحانه عادل‌نژاد، تدوین: امیر ادیب‌پور، جلوه‌های ویژه: فرید ناظر فصیحی، طراح پوستر و تبلیغات: روزان ایرجی، مدیر تولید: محمد حیدرقلی، منشی صحنه: سارا عبداللهی، مدیر روابط عمومی: وفا ملک‌زاده و عباس: فاطمه تقوی.

فیلم با در آغوش گرفتن مادر و دختری شروع می‌شود که بعدتر می‌فهمیم دختر این خانواده ۴ نفره یعنی سارا، قرار است برای ادامه تحصیل به تورنتو برود و به عبارتی این شام آخری است که سارا به همراه پدر، مادر و برادرش می‌خورد. اجرای این بخش به عنوان ورودیه داستان و معرفی شخصیت‌های اصلی فیلم، پشت‌تحت تاثیر کارگردانی مدیری در برخی آثار گذشته‌اش است؛ فضای مبتدث اغراق آمیز، نامفهوم و حتی لوس که قرار است خیلی زود وارد بحران اصلی داستان شویم. در مهمم و پا در هوا بودن این ورودیه همین بس که مهم‌ترین تصمیم سارا یعنی حضور در میهمانی دوستانه در شبی که چند ساعت بعد پرواز مهمی دارد و زندگی‌اش وابسته به آن است، غیرقابل هضم است. سارا بعد از تعلی چند ثانیه‌ای و بدون ممانعت خانواده تصمیم می‌گیرد ریسک بزرگی کند و برای اینکه روی دوستان خود را زمین نیندازد، به میهمانه شبانه آن هم در فاصله چند ساعت به پروازش برود. در مسیر حرکت از خانه به میهمانی فریبا و پیمان، نیما به سارا رنگ می‌زند. گویانیا نما نامزد یا خواستگار سارا است و به او خبر می‌دهد در هوا نیما همسفر او تا کانادا خواهد بود. اینکه نیما کیست؟ چرا باید با سارا همسفر شود و از همه مهم‌تر چرا به یک باره از مسیر داستان محو می‌شود و حضور و عدم حضور او چه تاثیری در پیشبرد داستان می‌گذارد، تداعی‌کننده فیلم‌فارس‌هایی است که تنها موقعیت‌ها و کاراکترها را در مسیر درام طراحی و تعبیه می‌کردند و اهمیت زیادی به کارکرد دراماتیک آن نداشتند. گویی در فیلم «ساعت ۶ صبح» از این جنس موقعیت‌ها و شخصیت‌ها کم نداریم و قرار است با اتفاقاتی روبه‌رو شویم که بدون کارکرد قصه‌گویی تنها به خاطر خالی نبودن عریضه و نیفتادن ریتم فیلم تعبیه شده‌اند: کاشت‌های بی‌نتیجه!

فصل میهمانی یکی از طولانی‌ترین بخش‌های فیلم است که قرار است مضامین مهمی را روایت کند. نقد طبقه مرفه اجتماعی و مشکلات مسکن طبقه متوسط و حتی نروتمند در کنار طعنه و کنایه به نوع معاشرت، سترگرمی‌ها و دغدغه‌های این طبقه همانند آن چیزی است که مدیری به طور مبسوط در سریال «دراکولا» مطرح کرده بود به طوری که یکی از جدی‌ترین نقدهای طبقه لاکچری در سینما و تلویزیون ایران به آثار مه‌ران مدیری مربوط می‌شود. در «ساعت ۶ صبح» همان

رویکرد انتقادی به طبقه مرفه و لاکچری در ابعاد کوچک‌تر و ساده‌تر اعمال می‌شود و دستاورد تازه‌ای برای مدیری در مقام فیلمساز به شمار نمی‌آید.

در ادامه شاهد حضور پلیس در میهمانی و دستگیر کردن تمام اهالی خانه‌جز سارا هستیم تا انتقادی‌ترین بخش فیلم «ساعت ۶ صبح» در اینجا رقم بخورد. مدیری و رافعی در مقام کارگردان و نویسنده به نقد عملکرد پلیس به عنوان یکی از ارگان‌های با اهمیت جامعه می‌پردازند تا فیلم‌شان از رنگ و بوی سیاسی - اجتماعی تهی نشود و فیلم انتقادی به تماشاگر نشان داده باشند. اینکه چرا پلیس به خلوت نه چندان پرسر و صدای این افراد ورود می‌کند، گزارش‌های مردمی عنوان می‌شود اما در واقع برخی ناهنجاری‌های فرهنگی به عنوان اصلی‌ترین جرم و اشتباه این افراد مطرح می‌شود؛ موضوعی که به نظر می‌رسد دیگر مایه‌آزای بیرونی ندارد. سال‌هاست که پلیس به صرف برگزاری یک دوره‌ی بی‌سیر و صدا به مساله ورود نمی‌کند و اساسا در این مقطع از فیلم شاهد یک روایت غیرواقعی هستیم. در این میان، پنهان شدن سارا در کانال کولر آبی از آن تمهیداتی است که بیش از آنکه هوشمندانه و خلافتانه باشد، کمدی و سطحی از آب درآمد، چرا که هزار و یک راه دیگر برای مواجهه با پلیس و همچنین پنهان شدن وجود داشته اما فیلمنامه‌نویس سراز کانال کولر رفته است!

در ادامه شاهد یکی از مخیرالمقول‌ترین بخش‌های فیلم هستیم؛ جایی که می‌توان آن را به مثابه فیل هوا کردن مدیری برشمرد؛ سحنه‌ای که فیلم ممد و ماندگار «ژانس شیشه‌ای» را یادآوری می‌کند اما چه یادآوری مضحک! برادر سارا پس از یک اقدام خیلی ظریف در مواجهه با همسایه‌ها چهره‌های خشن را تداعی می‌کند، این در حالی است که مهم‌ترین اکت او از ابتدای فیلم آسبیزی کردن برای خانواده بوده است! حالا تصور کنید برادر سارا با چنین پیشینه‌ای همان کاری را می‌کند که حجاج کلکم در «ژانس شیشه‌ای» برای حمایت از عباس انجام می‌دهد و با گرفتن اسلحه پلیس، اقدام به گروگانگیری مسلحانه می‌کند! سارا در اینجا کارکردی شبیه عباس دارد اما میان شخصیت عمیق و باورپذیر کلکم در آن فیلم تا برادر سارا در این فیلم چقدر فاصله وجود دارد. مخاطب چرا باید باور کند چنین شخصیتی با چنین پیشینه‌ای که تنها اکت او دعوا با همسایه‌ها و نوعی لات‌بازی بوده، قدرت رویارویی با پلیس و جرأت گرفتن اسلحه آنها را دارد. همانند آن فیلم در ۲ یا ۴ مرحله چند پلیس و نیروی امنیتی وارد داستان می‌شوند و در نهایت مه‌ران مدیری (سلحشور فیلم ژانس) با همان الگو و شمایل، موفق به رتق و فتق امور می‌شود.

حضور فرشته‌گونه و قهرمانانه مه‌ران مدیری در پایان فیلم با آن ادا و اصول‌های همیشگی، خونسردی و کارپرماتیک‌مانی، فیلم «ساعت ۵ عصر» همین کارگردان را یادآوری می‌کند که در آنجا نیز مدیری در نقش ناجی و قهرمان ظاهر می‌شود و مشکلات تلبلیاب شده و لاینحل را حل می‌کند، در حالی که در عمل مساله اصلی که پرواز سارا است حل نمی‌شود.

فیلم ساعت ۶ صبح یک تلاش ناکام برای ارائه یک تصویر و همینطور ارائه راه‌حل برای یک انگاره ذهنی در بخشی از جامعه است ولی مانند «ساعت ۵ عصر» تبدیل به تجربه ناموفق مدیری شده است. به نظر می‌رسد زائر مدیری همان زائر کمدی است و آثار رئالیستی وی از جمله «ساعت ۵ عصر» و «ساعت ۶ صبح» نتوانستند آنچنان که باید و شاید انتظار مخاطب را از فردی که زمانی به سلطان کمدی ایران معروف بود، برآورده کنند.



در اسکار را ندارد. بقیه آثاری که امسال روی پرده رفته‌اند هم حتی روی کاغذ گزینه جدی نیستند. مساله این نیست که هر سال سینمای ایران شانس دریافت اسکار ندارد و «جدایی» و «فروشنده» بیش از آنکه محصول سیستم سینمای ایران باشند، به استعداد فردی فیلمساز مربوطند، مساله این است که تولید نشدن فیلم خوب و کم اثر شدن بخش خصوصی در تولید، حالا دارد خودش را نشان می‌دهد. بی‌انصافی اسکر است همه این بحران را به پیروی سیستم سینمایی دولت سیزدهم بنویسیم، بلکه این سیستم است طولانی که امروز نتیجه آن عیان شده است. دولت فعلی و سازمان سینمایی، یک چالش جدی و اساسی پیش رو دارد: بدنه سینما و بخش خصوصی را با خود همراه کند و به سینمای جدی ایران، گرما و رونق دهد».